

دور تا دور دنیا

۳۱

# آمریکا | ریچل کوری نام من ریچل کوری است

ویراسته‌ی آلن دیکمن و کترین واینر  
نمایشنامه‌ای برگرفته از خاطرات ریچل کوری  
ترجمه‌ی حسین درخشان



USA  
Rachel Corrie



نشرنی

اولمپیا، ایالت واشنگتن. یک اتاق خواب. لباس و کتاب پراکنده در همه جا. ریچل روی آن‌ها دراز کشیده است.

### ریچل

هر صبح روی تخت خواب قرمزی بیدار می‌شوم که وقتی رنگش کردم به نظرم شاهکار بود، ولی این روزها هرچه می‌گذرد بیش‌تر مثل فاجعه می‌بینمش. لحظه‌ای چشمم را می‌بندم. آماده می‌شوم که خواب‌هایم را روی کاغذ بیاورم، یا صفحه‌ای در دفترچه‌ی خاطراتم بنویسم، یا این‌که چند نقشه‌ی مهم بکشم. و بلافاصله سقف شروع به بلعیدنم می‌کند.

زیر لحافم را می‌گردم تا شاید بتوانم خودکاری، روان‌نویسی یا هر چیزی که تند بنویسد پیدا کنم. صدای دندان ساییدن و تف انداختن سقف را روی سرم می‌شنوم، که منتظر است فقط نگاهی به آن بیندازم تا مرا یک لقمه کند.